



یا ابا محمد زین العابدین علیه السلام



سخنرانی

علیه السلام

شهادت امام حسن مجتبی



TalabeYar.ir



دریافت سایر متن منبرهای آخر ماه صفر

[اینجا کلیک نمایید](#)



جهت دریافت و دانلود، روی تصاویر فوق کلیک نمایید

- خطبه ابتدایی ۵
- کریم بودن خداوند ۸
- داستان اعرابی ۱۰
- گمان خوب ۱۷
- کریم و وعده اش ۲۰
- کریم و بخشندگی اش ۲۷
- مرد شامی و امام حسن علیه السلام ۳۲
- هفت صفر ۳۸
- توسل به امام حسن علیه السلام ۴۳
- روضه ۴۶

سخنرانی حجت الاسلام فرحزاد بمناسبت

شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

خطبه ابتدایی

سلام علیکم ورحمة الله. أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ،
تُمْ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا حَبِیْبِ اِلٰهِ الْعَالَمِیْنَ،
اِبَا الْقَاسِمِ الْمُصْطَفٰی مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اهل بَيْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ
المعصومِیْنَ المَكْرَمِیْنَ، سَيِّمًا بِقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ، رُوْحِ وَ
اَرْوَاحِ الْعَالَمِیْنَ لِتُرَابِ مَقَدِّمِهِ الْفِدَاءِ

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلٰی
اَبائِهِ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِرًا
وَ دَلِيلاً وَ عَیْنًا حَتّٰی تُسَكِّنَهُ اَرْضًا طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِیْهَا طَوِيلاً

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابا عبد الله وَ عَلٰی الْاَزْوَاجِ اَلَّتِی حَلَّتْ
بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّی سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی لِزِیَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحَسَنِیْنَ وَ

عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَىٰ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَىٰ أَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَسَنُ هَدِيَّةٌ مِنْ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّ حَسَنًا فَاجِبْهُ وَ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ يُحِبُّهُ.

بهترین ذکر ها، و بهترین دعا ها، و بهترین توسل کوتاه به
پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پیامبر صلی الله علیه و آله،
صلوات بر محمد و آله محمد است.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ فِي الْوَصِيَّةِ: يَا عَلِيُّ
مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ أَوْكَلَّ لَيْلَةً وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي، وَ لَوْ كَانَ
مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ^۱

چقدر محکم صحبت کردند.

^۱ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۶۱۳، ح ۴ (در وصیت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای
علی هر کس بر من هر روز یا هر شب صلوات بفرستد شفاعت من برای او واجب خواهد بود و
لو اینکه از اهل گناهان کبیره باشد).

تعبیر که بر من واجب می‌شود، شفاعت کنم.

وعده‌هایشان خیلی محکم است.

فرمود بر من رسول‌الله واجب می‌شود شفاعت کنم از گناهکارانی که هر روز و هر شب صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستند.

روز شهادت جان‌گداز سبط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، اولین نوه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که قربت حضرت، واقعاً فوق‌العاده هست.

در هفتم صفر، بنا بر قول معتبر، اتفاق افتاده است.

ان‌شاءالله که تجلیل مهمی از این امام بزرگوار تاحدی که در توان ما هست بشود که ان‌شاءالله یک مقداری از قربت بیرون بیایند.

یکی از القاب معروفی که از امام مجتبی علیه‌السلام است، کریم است. کریم اهل بیت.

که خیلی معانی بلندی برای کریم اهل بیت و برای کریم در روایات ما آمده.

کریم بودن خداوند

حالا در فرصت کوتاهی که هست بعضی‌هایش را عرض می‌کنم.

در قرآن این آیه مبارکه هست که

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ^۱

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ^۲

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ^۳

این انسان چه چیزی تو را به پروردگار کریم مفرور کرده؟

گول زده؟

^۱ آیه ۶ سوره انفطار (ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مفرور کرده است؟)

^۲ آیه ۷ سوره انفطار (همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و نیکو ساخت و متعادل و

متناسب قرار داد)

^۳ آیه ۸ سوره انفطار (و تو را در هر نقش و صورتی که خواست ترکیب کرد.)

یعنی خدایی که کریم است، بزرگوار است، کرامت دارد، به بدی‌هایت نگاه نمی‌کند، مدارا می‌کند، نباید باعث گول خوردن تو بشود.

باید بیشتر بندگی خدا بکند. بیشتر اطاعت کنی.

هرچند مرحوم فیض کاشانی می‌گوید در این آیه، یک اشاره‌ای است که خود خدا به ما یاد می‌دهد که همین کرم تو ما را به گول انداخته است.

اگر خدا سفت می‌گرفت و خلاصه مدارا نمی‌کرد، اگر کسی گناه می‌کرد افشا می‌شد. همین تند و تحدید فوری باعث می‌شد ...

ولی این کرم خدا و لطف خدا، این تعبیری که امام سجاد علیه‌السلام در دعای ابوحمزه می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ دُنُوبِي فَزِعْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

من گناهان را می‌بینم به فزع و جزع می‌افتم، کرم تو را می‌بینم طمع می‌کنم.

یعنی این طمع ما به خاطر کرم تو است.

اگر هم ما کوتاهی‌هایی می‌کنیم این لطف تو، کرم تو ...

داستان اعرابی

در هر صورت این هم روایت جالبی است در محجة و

البيضاء، آیت‌الله کاشانی نقل کرده‌اند که یک اعرابی، اعرابی

یعنی بادیه‌نشین.

یک اعرابی آمد محشر خاتم انبیاء، حضرت محمد مصطفی

صلی‌الله علیه و آله و سلم، به حضرت عرض کرد

مَنْ يُحَاسِبُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟

ظاهراً برایش عقده‌ای بود، چون این اعرابی‌ها آدم‌های

فطری بودند، دور از تجدد فرهنگ شهری، خیلی صاف و پاک

بودند.

این روایات اعرابی هم که سؤال‌های کلیدی می‌کردند و

جواب‌های اساسی پیغمبر خدا صلی‌الله علیه و آله به ایشان

می‌دادند.

برای عقده شده بود که روز قیامت طرف حساب ما که

هست؟

اگر یک مثلاً قاضی بازپرس سخت‌گیری باشد که مورا از ماست می‌کشد و بخواهد مچ ما را بگیرد و به عدالت رفتار بکند واقعاً همه مان مشکل پیدا می‌کنیم.

باید اصلاً خودمان راه جهنم را بگیریم و برویم.

حساب دست که هست؟

پیغمبر خدا صلی‌الله علیه و آله فرمودند به دست خدای متعال است. یعنی خدایی که کریم است، اکرم الاکرمین است، الرحم الرحمین است، غیر الغافرین است، ستار العیوب است ...

من خواهش دارم از هه عزیزان، دعایی که ما همه از آن غفلت زیاد می‌کنیم، فقط می‌گذاریم شب قدر، اگر فرصت کنیم، دعای جوشن کبیر، دعای خیلی مهمی است.

حدود هزار اسم و صفت خدا و این دعا آمده است که

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه می فرماید:

مستحب است شب اول ماه رمضان، چون آدم شب اول،

مهمان خدا می شود، صاحب خانه چه کسی است، میزبان چه

کسی است، مهمان که هستیم؟

می فرماید: مستحب است شب اول ورود به ماه رمضان

خوانده بشود و مرحوم مجلسی هم می فرماید خوب است شب

قدر هم خوانده بشود.

که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

یکی از جنگ ها جوشن کبیری به برداشتند که خیلی زحمت

هم می افتادند و حجم آن شدید بود، جبرئیل نازل شد که

جوشن محکم و بزرگ این دعا است.

که مرحوم مولا هادی سبزه واری شرح کرده اند این دعا را

که تک تک اسماء آن اسماء مهمی است و خیلی این نکته که

عرض می کنم قابل توجه است که شما در این دعا شاید به عدد

انگشتان دستتان اسم جلال، اسم غضب پیدا نکنید. مثلاً
مثل شدید العقاب، منتقم، قهار این اسم‌هایی که بوی عذاب
می‌دهد خیلی کم است.

همه‌اش اسم‌های رحمت و جمالیه است.

خیر الغافرین، خیر الساترین، خیر حقیق و محبوب، خیر
مونس و انیس، خیر صاحب و جلیس، رفیق و شفیق، حنان و
منان ...

حنان را از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند
معنی‌اش چه هست؟

فرمود:

المقبل علی من اعرض عنه^۱

بنده‌ای که فراری کرده، خدا به او رو آورده است.

حنان هم از صیغه مبالغه است.

اظهر الجمیل

^۱ خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه، بخش دوم

ستر القبيل

لم يواخذ بالجريره

لم يهتك الستر

عظيم العفو

يا واسع المغفرة^۱

واسع المغفرة وسعت گناه هم می‌رساند دیگر.

عظیم العفو، مرحوم نراقی نقل کرده است که در خزائن که

یک عابدی رفت پرده کعبه را گرفت، التماس که به من اسمت

بده.

به او خطاب شد که خیلی از بنده‌هایی من اسمت

خواستند، اگر به همه اسمت بدهم، پس من که را بیامرزم.

^۱دعای شریف اظهر الجمیل

واسع المغفره، عظیم العفو، حسن ... آن طرف آن هم مثل
تبارک الله، احسن الخالقین، علامت این است که انسانی که
خلق شده است، احسن المخلوقین است.

یعنی اینها به همدیگر ارتباط دارد.

احسن المخلوقین تعبیر نیامده در قرآن برای انسان، ولی
همین که فرموده روح بشر را که در او دمید، فرمود فی تبارک
الله.

معلوم می شود این روح خیلی بزرگ است.

در هر صورت واسع المغفره علامت وسعت گناه مردم است
که خدا هم بسیار می بخشد.

خب، خدای این چینی، می تواند آدم دوستش نداشته
باشد، می تواند او را فراموش بکند، با او ارتباط نداشته باشد!

چقدر به انسان آرامش می دهد!

این اعرابی دغدغه اش این بود که طرف من روز قیامت،

حساب من با که هست؟

حَسَنَ التَّجَاوُزِ

مَلْجَأُ كُلِّ مَظْرُودٍ

ملجا العاصيين^۱

پناه گناهکاران.

تا گفت خدای متعال. این خیالش راحت شد.

گفت الحمد لله.

خدا حافظی کرد.

یعنی مطلبش را گرفت.

یک مقدار که رفت، پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله

فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظَرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى

هَذَا^۲

این اعرابی اهل بهشت است.

^۱ فرزای از جوشن کبیر

^۲ بحار الأنوار ج ۳۶ ص ۱۶

گمان خوب

ببینید ما روایات فراوان داریم که این‌ها را هم زمینه بکنید
بهتر جا می‌افتد.

امام هشتم علیه السلام فرمود: ^۱

أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ

گمان‌هایتان را به خدا نیکو کنید.

نه به خودتان به خدا.

به خودت هرچه می‌توانی، متهم بدان نفس خودت را و
بدبین باش، و خودت را اول گناهکار عالم بدان.

این خیلی هم کار خوبی است.

ولی یک خط‌کش بگذار آن طرف، خدا، خدای خوبی است.

امام هشتم علیه السلام فرمود: گمانتان را به خدا نیکو
کنید.

خدای مهربان می‌فرماید:

^۱کافی، ج ۲، ص ۷۲، ح ۳

أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا

فَشْرًّا^۱

من در نزد گمان بنده‌ام هستم.

اگر خیر بود، خیر.

اگر می‌گوییم خدا خیلی خوب است، خیلی باگذشت است

... همان‌طور با ما رفتار می‌کنند.

این‌ها بیچاره‌ام می‌کند، بدبخت می‌کند، نمی‌آمرزد، جهنم

... حتماً بدان همان‌طور با تو رفتار خواهد کرد.

روایات فراوان باب خوش‌بینی داریم.

ببینید، گناه کبیره محدود است در روایات، حدود هفت تا

شمارده شده.

مثل قتل نفس و ...

^۱کافی، ج ۲، ص ۷۲ (أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا) قَالَ: أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشْرًّا. امام رضا (ع) فرمود: به خداوندگمان نیکو بپر که خدای عزوجل فرموده: "من مطابق گمان بنده مؤمن خود هستم؛ اگر به من گمان نیک داشت آن گونه هستم و اگر گمان بد داشت همان گونه خواهم بود."

ولی تعبیر اکبر کبائر خیلی کم داریم، مثل شرک به خدا.

أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ^۱

که بگویند این خدا چنین وچنان است. خدا را بد معرفی کنند.

در دل خودت بدبین باشی به خدایی که کرمش نامتناهی است.

عفوش نامتناهی است.

خوبی‌هایش نامتناهی است.

لذا این به این اعرابی حضرت فرمودند که اهل بهشت است.

یک نفر آمد و به اعرابی رسید.

گفت: تو وقتی پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که

حساب دست خدا راحت شدی، خوشحال شدی؟!

^۱کنز العمال: ۵۸۴۹ (پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: بزرگترین گناه کبیره، بدگمانی به خداست)

این جمله را گفت:

لِأَنَّ الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَفَا^۱

کریم و وعده اش

کریم، کسی است که وقتی قدرت پیدا می‌کند گیر نمی‌دهد، عفو می‌کند.

این کلام مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است. کلام خیلی زیبا و بلندی است.

کریم که هست؟

فرمود:

^۱تنبيه الخواطر: ۹/۱ (قال أعرابي: يا رسول الله، من يُجاسِبُ الخَلْقَ يَوْمَ القِيَامَةِ؟ قال: اللهُ عَزَّوَجَلَّ، قال: نَجَوْنَا وَرَبُّ الكَعْبَةِ! قال: وَكَيْفَ ذاك يا أعرابي؟! قال: لِأَنَّ الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَفَا. عربی بادیه نشین به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! روز قیامت چه کسی به حساب خلائق می‌رسد؟ فرمود: خداوند عز و جل، بادیه نشین گفت: به خداوندگار کعبه سوگند که نجات یافته ایم! حضرت فرمود: چگونه، ای اعرابی؟ عرض کرد: زیرا کریم هر گاه قدرت یابد ببخشد.)

الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَىٰ وَإِذَا قَدَّرَ عَفَا

کریم کسی است که پابند به وعده‌اش است.

وعده‌هایمان را جدی بگیریم!

ما در مملکت‌مان پانزده میلیون پرونده داریم، خیلی‌ها هم رویشان نمی‌شود پرونده تشکیلی بدهند، وعده‌های در قراردادها، وعده‌های در چک دادن.

من برای یک امر خیری، منزل یکی از مراجع رفتم.

آقا زاده‌شان می‌گفت: حاج‌آقا یک موقع وقت داری بیا من یک گونی چک برگشتی از همین مؤمن‌ها، این‌ها که خمس می‌دهند.

چرا ما این‌گونه شده‌ایم! یک‌جور دیگری شده اصلاً.

چیزی که امضا می‌کنی.

قول قراری که می‌بندی.

^۱ عیون الحکم والمواعظ، جلد ۱، صفحه ۲۷ (بزرگوار هرگاه وعده دهد، وفا کند و هرگاه وعده بد دهد، درگذرد.)

وعددهای که می‌دهی.

در ازدواج، در مهریه، در قول و قرارها، در امضا کردن چک،
خانه بسازی، معماری بکنی، وعده برای منبر و ...

خب این وعده‌های خیلی مهم است.

خدا حفظ کند آقای نظری منفرد را. من توفیق داشتم
شاید بیست سال همسایه ایشان بودم در دو محل.

فرزند ایشان در حوض افتاد از دنیا رفت.

یعنی آدمی که بچه‌اش از دنیا رفته است، ایشان هم خیلی
عاطفی و احساسی.

ولی شب منبر داشت، منبرش را ترک نکرد.

گفت مردم منتظر هستند.

قول! وعده!

این‌ها خیلی مهم است.

الان مملکت ما وعده‌های پوچ است.

حالا نمی‌خواهم در بحث سیاسی و مسئولین یا ...

همین طور فرق نمی‌کند، هرکسی

الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَىٰ وَإِذَا قَدَّرَ عَفَا

یا وعده نده یا ...

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّىٰ يَعْدَ^۲

آدمی که از او چیزی درخواست می‌کنند، آزاد است

به کسی که قول ندادی، ولی اگر امضا کردی، با زبانت وعده

دادی.

آقا این کار را می‌کنم. حتماً مدیون هستی.

این هم حال روایت جالبی یادم آمد باز در همین مبحث.

یک نفر گرفتار آمد خدمت آقا امام حسن مجتبی

علیه السلام. نامه‌ای نوشته بود.

^۱ عیون الحکم والمواعظ، جلد ۱، صفحه ۲۷ (بزرگوار هرگاه وعده دهد، وفا کند و هرگاه وعده بد دهد، برگذرد).

^۲ نهج البلاغه: الحکمه ۳۳۶ (الْمَسْئُولُ حُرٌّ حَتَّىٰ يَعْدَ، وَمُسْتَرْقٌّ بِالْوَعْدِ حَتَّىٰ يُنَجِرَ. امام علی علیه السلام: کسی که از او چیزی خواسته می‌شود تا وعده ندهد، آزاد است و چون وعده داد، در بند آن است تا آنگاه که به آن وفا کند).

نامه را که دست حضرت داد، حضرت باز نکردند بخوانند،

قبل از خواندن و باز کردن فرمودند:

حاجَّتْكَ مَقْضِيَّةٌ^۱

خیلی عجیب است.

فرمودند: حاجت تو برآورده شد.

برو، برو بنشین.

یک نفر به امام حسن علیه السلام گفت آقا شما که

نخواندی ببینی چه هست. چه می‌خواهد، اصلاً ممکن است،

ناممکن است.

انظم در السمطين ص ۱۹۶ (ما رزى ان رجلاً دَفَعَ اِلَيْهِ رُقْعَةً فى حَاجَةٍ [الْاَجَابُهُ] فَقَالَ لَهُ: حَاجَّتْكَ مَقْضِيَّةٌ، فَقِيلَ لَهُ يَا بِنِ رَسُولِ اللّٰهِ، لَوْ نَظَرْتُ فى رُقْعَتِهِ ثُمَّ رَدَدْتُ الْجَوَابَ عَلَى قَدْرِ ذَلِكِ، فَقَالَ: اُخْشَى اَنْ يَسْأَلَنِى اللّٰهُ عَن ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيِّ حَتَّى اُقْرَءَ رُقْعَتَهُ. در حدیثی آمده است: هرگز دیده نشد که کسی به امام نامه ای در مورد حاجتی بدهد مگر اینکه حضرت جواب می‌داد: حاجتت برآورده است. گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله کاش در نامه اش می‌نگریستی و به اندازه حاجتت می‌دادی، حضرت فرمود: می‌ترسم خدا از من درباره مدت زمانی که روبرویم خوار می‌ایستد و تا نامه اش را بخوانم، سؤال کند. هرگز دیده نشد که کسی به امام نامه ای در مورد حاجتی بدهد مگر اینکه حضرت جواب می‌داد: حاجتت برآورده است. گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله کاش در نامه اش می‌نگریستی و به اندازه حاجتت می‌دادی، حضرت فرمود: می‌ترسم خدا از من درباره مدت زمانی که روبرویم خوار می‌ایستد و تا نامه اش را بخوانم، سؤال کند.)

خیلی تعبیر عجیبی است.

فرمود: ترسیدم، روز قیامت خدا من را مؤاخذه کند از مدت زمانی که سؤال ایستاده‌ای که در مقابل من ایستاده است. خب من می‌خواهم نامه را چند ثانیه، چند دقیقه بخوانم، آن وقت او جلوی من ایستاده من را نگاه می‌کند. ترسیدم از این ذلت سؤالی که مقابل من ایستاده است، حالت ذلت است دیگر سؤال، روز قیامت خدا من را مؤاخذه کند.

لذا گفتم حاجت تو برآورده است.

یعنی آن چیزی که در توان من هست برایت انجام می‌دهم. این‌گونه بودند واقعاً.

عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَمُ^۱

سجیه یعنی در ذات شما است، در وجود شما است.

^۱ بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۲۷

اصلاً روش و منش و حقیقت شما همه‌اش کرامت است،
همه‌اش کرم است، همه‌اش بزرگواری است.

اگر ما همین آیه قرآن را عمل بکنیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ^۱

وعده‌ها را جدی بگیریم!

می‌دانی این پروژه را نمی‌توانی به وسط برسانی، می‌دانی
نمی‌توانی انجام بدهی، چرا قول می‌دهی. چرا وعده می‌دهی.

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ^۲

خیلی خدا دشمن دارد.

دشمنی با خدا اینجا بزرگ جلوه می‌کند، در خارج واقعاً
این‌طور نیست.

خیلی روی وعده‌هایشان پابند هستند.

^۱ آیه ۲ سوره صف (ای مؤمنان! چرا چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟)
^۲ آیه ۳ سوره صف (كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. نزد خدایه شدت موجب
خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی‌کنید.)

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

که بگویند چیزی که انجام نمی‌دهید.

کریم و بخشنده‌اش

الْكَرِيمِ إِذَا وَعَدَ وَفَى

وَ إِذَا قَدَرَ عَفَا

یک شاخصه کریم هم این است که وقتی قدرت پیدا کرد

عفو می‌کند، انتقام‌جو نیست، کینه‌جو نیست.

حالا یک کسی بی‌احترامی کرده است، بی‌ادبی کرده است.

مالی، زبانی ...

آن قدر ما گیر بدیم، حالت انتقام بگیریم!

نه.

کریم یک شاخصه‌اش این است که بدی دیگران صرف‌نظر

می‌کند.

^۱ عیون الحکم والمواعظ، جلد ۱، صفحه ۲۷ (بزرگوار هرگاه وعده دهد، وفا کند و هرگاه وعده بد دهد، درگذرد.)

بدی را با بدی مکافات نمی‌کند.

باز از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام کمک بگیریم در

نهج البلاغه

مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفَلْتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ^۱

جهل و فراموشی بعضی جاها خیلی خوب است.

همین جهلی که می‌گوییم خیلی بد است.

ولی خیلی خوب است، اگر کسی مصیبتی دیده است، داغ

کسی دیده اگر فراموش نکند، اگر آن مصیبت تازه و مثل روز

اول باشد داغ می‌کند، می‌میرد چند روز بعدش.

ولی خدا فراموشی می‌دهد.

بدی که دیگران به ما کرده‌اند، آدم فراموش بکند، غفلت

بکند.

غفلت چیزی بدی است ذاتاً، ولی این‌طور جاها خوب است.

ندیده بگیرد. نشنیده بگیرد.

^۱ حکمت ۲۱۳ نهج البلاغه (از بهترین کارهای انسان کریم)

لقمان به فرزند خود سفارش کرد، دو چیز را فراموش نکن.
خدا و یاد مرگ.

دو چیز هم هرچه می‌توانی فراموش بکن.

یک احسانی که به دیگران کردی.

فراموش بکن، پاکش کن.

هی به رخ طرف نکش، منت نگذار.

به حساب خدا واریز کن تمام شد.

بزرگی فرمود عمل خالص آن است که فعل و فاعل

خودشان را نبینند.

نه فعل را ببینی نه فاعل را.

خدا را ببینی.

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا^۱

این می‌شود خالص.

^۱ آیه ۹ سوره انسان ((وگویند) ما فقط برای رضای خدایه شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم)

خودت را نبین، فعلت را نبین.

منت و طلبکاری و آقا من یک عمر به این‌ها خدمت کردم ...

می‌گوید بشکنند این دست که به شما خدمت کرد.

آن‌هایی که خالص نیست کارهایشان داغ می‌بینند!

خوبی که به دیگران می‌کنی فراموش بکن.

یک علامت کریم این است.

بدی که دیگران به شما می‌کنند فراموش بکن.

در حالات مرحوم آخوند خراسانی رحمت‌الله علیه، خواندم

که در زمان مشروطه و استبداد خیلی درگیری بوده در حوزه

طلبه‌ها و مردم.

یک طلبه‌ای خیلی با آخوند خراسانی مخالفت می‌کرده

است، هرکجا گردو خاک به پا می‌کرد.

یک موقعی عده‌ای آدم فقیری هم بوده، گرفتار بوده،

عده‌ای از اهالی آن محل آمده بودند پول حسابی آوردند گفتند

آقا به این طلبه بدهیم که خانه‌دار بشود، یا نفقه ندارد و ...

افرادی گفتند آقا این دشمن شما است. فحش می‌دهد و

...

گفتند باشد.

این الان محتاج و گرفتار است.

خیلی عجیب است.

این از هزار تا نماز شب بالاتر است.

کرامت این‌ها است.

حالا آن فکر می‌کند من اشتباه کردم، مثلاً برای خدا وظیفه

می‌داند.

مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفَلْتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ^۱

و چقدر این آرامش به انسان می‌دهد.

حالا فامیلی، دوستی، آشنایی، مریدی، همسایه‌ای ...

حرف تندی، برخورد تندی، غیبت ...

حالا که گفته! بگذر.

^۱ حکمت ۲۱۳ نهج البلاغه (از بهترین کارهای انسان کریم)

من که نباید آن قدر کوچک باشم.

پاکش کن.

مرد شامی و امام حسن علیه السلام

این داستانی که همه در ذهنتان هست، این مرد شامی متعصبی که خدا لعنت کند معاویه را، خدا لعنتت کند آن‌هایی که معاویه‌ها را روی کار آوردند.

خدا لعنت کند معاویه‌ای که یزیدی روی کار آورد.

این سلسله‌ی ملعونه و شجره ملعونه در قرآن.

آقا تبلیغات خیلی اثر دارد. چه کرد این حرام‌زاده نانجیب که سالیان سال روی منبر خود حضرت علی علیه‌السلام را لعن می‌کردند.

کسی که جان پیغمبر صلی‌الله علیه و آله بود!

یعنی صد و هشتاد درجه ورق را برگردانی!

کسی که دین پیغمبر صلی‌الله علیه و آله به برکت این شخصیت احیا شده است.

روح پیغمبر صلی‌الله علیه و آله، جان ایشان، حقیقت دین.

عَلَيْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ^۱

این یک کاری بکند که بگوید این لعنش واجب است!
اگر یک کسی فراموش می‌کرد، به او یادآوری می‌کردند.

ای داد بی داد!

از آن بازیگرهای سیاس ...

یعنی واقعاً دست شیطان را از پشت می‌بست.

خب در اثر تبلیغات دروغ یک مرد گول خورده است.

در مدینه تا به امام حسن علیه‌السلام رسید فحاشی کرد،

به خدا آقا و پدر ایشان.

مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفَلْتُهُ

^۱ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۴

حالا این گول خورده. کوکش کرده‌اند. دشمن او را کوک کرده
است.

حضرت سکوت کرد.

سلام کردند.

إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^۱

وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا^۲

ای کاش ما این آیه‌ها را عمل می‌کردیم.

مخصوصاً ما روحانی‌ها.

^۱ آیه ۶۳ سوره فرقان (و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت آمیز می‌گویند)

^۲ آیه ۷۲ سوره فرقان (وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا. و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند)

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ^۱

با جاهل درگیر نباید بشویم.

حالا یک جا آتش به پا شده است. الان بحث‌های سیاسی،

روزنامه‌ای، رسانه‌ای، فضای مجازی ...

یک آتشی به پا می‌شود همه بنزین می‌ریزند.

یعنی جهل را گسترش می‌دهند.

آب بریزید، آب هم نمی‌ریزید سکوت کن.

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ^۲

^۱ آیه ۵۵ سوره قصص (و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه‌گوی) نادان را نمی‌طلبیم.)

^۲ آیه ۵۵ سوره قصص (و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه‌گوی) نادان را نمی‌طلبیم.)

ما با جاهل درگیر نمی‌شویم، و اگر نه ما هم مثل او می-
شویم.

باکرامت و بزرگواری از کنار جاهل یا چیزهای ناهنجار باید رد
بشویم.

حضرت به او سلام کردند.

آقا یک کسی مثلاً می‌آید به بنده فحش می‌دهد من بقلش
کنم ببوسمش این چه کار می‌تواند بکند.

این زمین خورده من است. اسیر من است.

این خیلی عجیب است.

حضرت به او تبسم کردند، فرمودند فکر می‌کنم تو آدم
غریبی هستی، پول می‌خواهی، جا می‌خواهی، لباس می-
خواهی، مرکب می‌خواهی، غذا می‌خواهی؛ هر چه که بخواهی
محیا است.

یعنی در بست من در اختیار تو هستم.

ما گاهی روضه‌های تند می‌خوانیم، دوست‌های اهل بیت
اشکشان در نمی‌آید.

مرد شامی شروع کرد مثل ابر بهار گریه کردن.

گفت:

اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^۱

من وقتی آدم مدینه دشمن‌ترین آدم‌های تو و پدرت
حضرت علی علیه‌السلام بودید.

الان عزیزترین انسان‌ها در نزد من هستید.

من اشتباه کردم.

غلط کردم. بیراهه رفتم.

این کرامت است.

^۱ آیه ۱۲۴ سوره انعام (وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَبُصِيْبُ الَّذِينَ أُجْرِمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ. و چون آیتی برای (هدایت) آنها آمد گفتند: ما ایمان نیاوریم تا مانند آنچه به رسولان خدا داده شد به ما نیز داده شود. خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد. به زودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت به واسطه مکاری که می‌اندیشیدند بر آنان فرو فرستد.)

راجع به کریم خیلی بحث هست و روایات فراوان داریم.
حالا فرصت نیست ان شاءالله از بقیه عزیزان هم می‌خواهیم
استفاده بکنیم.

هفت صفر

من تشکر می‌کنم از همه مراجع و بزرگواران.
واقعاً مستقل برای امام حسن علیه‌السلام یک دهه، می-
شود، فرهنگ‌سازی بشود، می‌شود.
اعتکاف یک موقع بیست و چهار نفر بودند.
الان صدها هزار نفر هستند.
قطعاً بدانید اثر دارد.
تمام کشورها هفتم صفر برای امام حسن علیه‌السلام
می‌گیرند.

از دیرباز مراجع ما اهتمام داشتند به این کار.
آقای آل طاها خدا رحمتشان کند، یکی از رفقا می‌گفت،
ایشان فرمودند من بیست هشت صفر منبر مرحوم آیت‌الله

آقای گلپایگانی می‌رفتم، آقا می‌فرمودند از پیغمبر صلی‌الله

علیه و آله بگو از امام حسن علیه‌السلام نگو.

امام حسن علیه‌السلام هفت صفر است.

گاهی هم می‌خواهند بیست و هشت صفر مصائب امام

حسن علیه‌السلام را بیاورند، آن فجایعی که زمان پیغمبر

صلی‌الله علیه و آله اتفاق افتاده تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

آن هم یک احتمال است، عیبی ندارد.

ولی اینکه هفت صفر را ما احیاء بکنیم.

بنده واقعاً عرض می‌کنم، غربت از همه قبر امام حسن

علیه‌السلام، زیارت امام حسن علیه‌السلام، یاد امام حسن

علیه‌السلام، همه‌اش غربت است.

اصلاً در مدینه شما غریب‌تر از امام حسن علیه‌السلام پیدا

نمی‌کنید.

شما الان ببینید اربعین چه محضری است.

هیچ کجای دنیا هم چنین اجتماعی راهپیمایی نیست.

برای امام حسن علیه السلام میلیون‌ها نفر زائر، پیاده‌رو،
میلیون‌ها آدم خدمت می‌کنند در این موکب‌ها، شب و روز.
بنده پارسال توفیق داشتم، بیست و چهار ساعت مردم
می‌روند، بیست و چهار ساعت پذیرایی می‌شوند.
چه دستگاهی امام حسین علیه السلام دارد.
شما یک نگاهی به با چشم دلت ببنداز به مدینه، شاید یک
زائر ندارد. یک خادم ندارد.

نه سایه بانی، نه شمع و چراغی!
غربت از درودیوار مدینه می‌بارد.
خدا رحمت کند همه گذشتگان، همه عاشقان اهل بیت را.
مرحوم آیت‌الله آقای سید محمود شاهرودی رحمت‌الله
علیه.

ایشان وقتی رفت مکه زیارت خانه خدا، آوردنشان مدینه
برای زیارت قبور ائمه.

این پیرمرد را بردند در قبرستان بقیع، نگاهش افتاد به این
چهار قبر شروع کرد شیون زدن، گریه کردند.

نوشتند که آن قدر گریه کرد که بی‌هوش شد.

ایشان را بلند کردند بازحمت بردند منزل، به هوش آوردند،
گفت دیگر تا مدینه هستم من را قبرستان بقیع نبرید، من
طاقت دیدنش را ندارم.

خیلی سنگین است.

قبور اولیاء، عزیزترین فرد برای خدا، آن قدر بی‌حرمتی!

لذا ببینید امام حسین علیه السلام غربت برادر را درک می-
کند.

فرمود:

و يبكى عليك كل شيء حتى الوحوش في الفلوات و

الحيثان في البحار^۱

این کلام آقا اباعبدالله است.

^۱ نوادر الأخبار ج ۱ ص ۱۶۴

فرمود برای برادرم همه موجودات گریه می‌کنند.

حتی حیوانات وحشی، حتی ماهی‌های دریا.

آقا امام حسن علیه السلام، ببینید امام حسین

علیه السلام این عزاداری‌هایش، این راهپیمایی‌اش، این

اربعینش.

اصحابی داشت، یکی از یکی بهتر.

حبیب بن مظاهر، برید، زهیر، مسلم ...

که فرمود من بهتر از شما سراغ ندارم.

ولی غربان آن غریبی که نزدیکانش دشمنش بودند، منافق

بودند.

خنجر به بدنش زدند.

سجاده از زیر پایش کشیدند.

نامه نوشتند معاویه این پول‌هایی که فرستادی، هر وقت

به ما بگویی ما امام حسن را دست‌بسته به تو تحویل می-

دهیم.

خدا لعنتشان کند.

چه خون دلی که نخورد.

آقا گفته اند این آسان است، آدم در مجلس بنشیند،
خطیب ملعون شامی برود روی منبر ناسزای به عزیز اهل بیت
بگوید.

به خدا از شمشیر و نیزه بدتر از.

ولی امام مجتبی خون دل می خوردند، صبر می کردند، چه
مصیبتی از این بالاتر.

آدم با قاتل خودش زیر یک سقف زندگی بکند.

بسوزیم و بنالیم و بگرییم بر آن یاری که یارش قاتل اوست.

خدا حفظ کند همه شعرا، مداح ها را.

توسل به امام حسن علیه السلام

آقای سازگار فرمودند که مریضی سختی گرفتم. منبرهایی

که می خواستم بروم نتوانستم بروم.

خیلی دیگر به آن بن بست رسیدم.

نذر امام حسن علیه السلام، چون سفره کرمش همین‌طور
هست، هرچه بتوانی نذر امام حسن علیه السلام بکنی، سفره
امام حسن علیه السلام بیندازید، خیلی کریم است.
ایشان فرمودند خانم من خیلی اعتقادش به اهل بیت بهتر
از من است.

نذر کرد سفره امام حسن مجتبی علیه السلام را بیندازد و
روزه بگیرد برای شفا من.

گفت من هم مشهد مداحی مهمی بود با آقای انصاریان،
می‌گفت تا پای منبر که می‌رفتم گلویم کیپ بود، نمی‌توانستم
بخوانم، روزی بود که نذر ادا می‌شد، سفره امام حسن
علیه السلام.

که آن نذر که انجام شد گلوی من باز شد.

الحمد لله خوب شد.

بعد این جالب است، گفت آمدم تهران، خانمم گفت ما سفره امام حسن انداختیم، روزه گرفتیم، فلان مداح آمد منزل ما خواند.

شما دعوت کردی؟

گفتم: نه از کجا خبر داشت!

چه کسی به او گفته بیاید!

به او تلفن زدم. پرسیم چطور شد شما منزل ما آمدی؟

گفت: من خوابیده بودم در خانه. خواب دیدم که آقا امام

حسن مجتبی علیه السلام فرمود برو خانه فلانی، روزه است

این شعر من را هم بخوان.

ای ماهی دریا برایت گریه کرده

پیغمبر و زهرا برایت گریه کرده

امام حسین علیه السلام می فرمود.

گفت همه عالم برای غربت حسین گریه می کنند، ولی خدا

آقا اباعبدالله برای غربت و مظلومیت حسن گریه می کند.

عالم محیط غربتت، زائر ندارد تربتت

مظلوم حسن جان، مظلوم حسن جان

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

آن چشمی که برای حسن من اشک بریز، کور وارد صحرای
محشر نمی شود.

ان شاء الله یک روزی برویم مدینه.

یک روزی آقا بیاید یک بارگاه بزرگی برای آقا درست بکنند.

فرمود آن قدم هایی که به زیارت قبر حسن من برود بر روی
پل صراط نمی لغزد.

روضه

یک وقت دیدم صدا زد، برایم یک تشت بیاور.

حضرت قاسم سه ساله بوده.

عبدالله شاید تازه متولد شده بوده، شاید چند ماهش بوده.

دو تا دسته گل کوچک داشت آقا امام حسن مجتبی، اینها را

وقت برادر کرد.

شاید بچه‌ها، خواهرها، خوشحال شدند، آقا سم‌ها را بر
می‌گرداند.

اما یک‌وقت ببینند لخته‌های خون در میان تشت!
صدا زد بروید بردارم حسین علیه‌السلام را خبر کنید.
دیگر مرگ قابل علاج نیست.

آن‌قدر آقا کریم بود، قاتلش را معرفی نکرد.

الله‌الکبر!

دو تا تشت بوده در ماه صفر دل اهل بیت را آتش زده.
یکی تشتی که در مدینه پاره‌های خون آقا امام مجتبی.
یا ابا عبدالله!

همه عزیزان آرزو دارند اربعین بیایند به زیارتشان.

این دل‌ها برای زیارت قبر ابا عبدالله پر می‌کشد.

بخواید، ان‌شاءالله خدا جور می‌کند.

یک تشت هم در مجلس یزید، سر مقدس آقا تلاوت می-

کرد.

همه جا قاری قرآن را احترام می‌کنند.

خدا لعنتت کند یزید. آخر جلوی چشم زینب، جلوی چشم

بچه‌ها امام سجاد با چوب خیزران جسارتی کرد.

عمه سادات صبر نیاورد، تاب نیاورد.

بلند شد و دست به گریبان برد.

وا حسینا!

به حق جگر پاره پاره آقا امام مجتبی، خدایا دردهای ما را دوا

بفرما.

گناهان ما را ببخش و بیامرز.

ما را جزو یاران و شیعیان خالص اهل بیت قرار بده.

ما را آئی از اهل بیت علیه السلام جدا نگردان.

قلب امام زمان علیه السلام را به مژده ظهورش شاد

بگردان.

باران رحمتت را بر ما نازل بگردان.

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

